

متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز. استاد من گذشته خوبی ندارم نمیدونم چطور شد ک باب معارف برام باز شد در حال حاضر مباحث مبارزه با نفس آقای پناهیان دنبال میکنم ایشان معتقدند ک باید دوست داشتنی هامون البته با برنامه ای ک دین پیش روی ما گذاشته کنار بذاریم وقتی میبینم دیگران حتی مکروه هم انجام نمیدن من حتی در ترک محرمات هم موندم اصلا هیچ میلی و امیدی ندارم. آقای طاهرزاده من محبت کسی ب دل دارم ک روز و شب فکرم مشغول کرده ن میتونم درس بخونم ن کار مفیدی انجام بدم بابام قبلا مخالفت کرده خب دین ب من میگه عبودیت کن اما چطوری فکرش از دلم بره بیرون نمیدونم ب حضرت فاطمه متوسل شدم اما تغییری در حال من ب وجود نیومده من چ تکلیفی دارم؟ باید صبر کنم و پا روی نفسم بذارم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: موضوعات وَهمی به مرور ضعیف می‌شوند ولی اگر در مقابل آنها مقاومت کنید قدرت پنهان خود را در این امر تجربه خواهید کرد. **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** کتاب «ادب خیال و عقل و قلب» کمک می‌کند. موفق باشید